

دیانت و حقانیت

بررسی و تحلیلی پدیدارشناسانه از دین حق

از منظر ادیان ابراهیمی

www.ketab.ir

دکتر شمس‌الدین گودرزی بروجردی

سرشماره	گودرزی بروجردی، شمس الدین، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	دیانیت و حقانیت/ نوشته‌ای از شمس الدین گودرزی بروجردی.
مشخصات نشر	قم: نسیم کوثر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۸۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۲-۲۲-۰۰۵۱۴-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص ۲۷۹.
موضوع	دین
موضوع	Religion
موضوع	دین -- فلسفه
موضوع	Religion -- Philosophy
موضوع	شناخت (فلسفه دین)
موضوع	(Knowledge, theory of Religion)
موضوع	خدشناسی (اسلام)
موضوع	God (Islam) -- Knowableness
موضوع	عدالت (کلام)
موضوع	(Justice Islamic theology)
رده بندی ککرو	۲۸۵.۱
رده بندی دیویی	۲۰۰
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۴۳۰۵۲



انتشارات نسیم کوثر

www.ketab.ir

قم - خیابان معلم - مجتمع ناشران - طبقه همکف - پلاک ۴۰
روابط عمومی: ۰۲۵-۳۷۷۳۴۳۷۷ دفتر فروش: ۸-۳۷۸۳۰۵۶۷

شناسنامه:

- * عنوان: دیانت و حقانیت
- * مؤلف: شمس الدین گودرزی بروجردی
- * ناشر: نسیم کوثر
- * چاپ: کوثر
- * نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
- * تیراژ: ۲۰۰ نسخه
- * قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

درآمد	۷
مقدمه	۲۷

فصل اول

سیری در کثرت‌گرایی دینی

تحلیل روش شناختی درون دینی حق در نقدی بر صراط‌ها	۵۱
--	----

فصل دوم

کیفیت پدیدار شناختی هدایتگری

امرالین در اسلام

کیفیت پدیدار شناختی حق آزادی در صراط مستقیم	۱۲۶
کیفیت پدیدار شدن انحراف در دین حق «علل و عوامل از خودیگانگی در انسان تاریخی»	۱۵۶

فصل سوم

تحلیل ماهیت لغوی و فلسفی حق

۱. تحلیل لغوی حق	۱۷۳
۲. تحلیل لغوی باطل	۱۷۴
۳. تحلیل کاربرد لغوی حق	۱۷۴

تحلیل کاربرد فلسفی ماهیت حق.....	۱۷۷
حق در قلمرو تصورات.....	۱۷۸
حق در قلمرو تصدیقات.....	۱۸۳

فصل چهارم

تحلیل درون دینی فرایند پدیدار شناختی هدایتگری امر مطلق

منطق افعال گفتاری ظهور خارجی دین حق.....	۲۴۱
--	-----

فصل پنجم

منطق افعال گفتاری حاکمیت دین حق

از دیدگاه انجیل

پدیدارهای ظهور حق در آخرالزمان از دیدگاه انجیل.....	۲۷۷
منابع و مآخذ.....	۲۷۹

درآمد

همه انسان‌ها در سرشت خود، جوایز حقیقت آگاهی در دین هستند و گواه این جستجوی فطری، پژوهش و کندوکاو خستگی‌ناپذیر اوست که در تاریخ پرفراز و نشیب زندگی‌اش نمود یافته است. آدمی در طول حیاتش نشان داده، موجودی است در جستجوی کشف اسرار هستی و جهانی که در آن زیست می‌کند.

گذشته از کنجکاری فطری و عطش طبیعی‌اش برای کسب حقیقت تکامل در آگاهی به وسیله ایمان درونی‌اش، همان بدوی‌ترین مراحل حیات ایمانی خود، در پی برآوردن نیازهایش به بهترین شیوه ممکن بوده است یا به تعبیر بهتر همواره خواسته، وضعیت موجود خویش را دگرگون کند و بر اساس آرزوهایش که در مراحل گوناگون اندیشه‌اش، سطوح متفاوتی داشته، بنیاد زندگی و مدنیتی پیشرو را پایه‌ریزی کند. از طرفی همیشه می‌دانسته، تحقق چنین هدفی خواه ناخواه جز با شناسایی نیروهای درونی و برونی جهان پیرامون خویش (خود و جهان) ممکن نیست؛ زیرا این نیروهای موجود در جهان، همواره به مثابه سدها و موانعی سخت و ستبر، در برابر خواست و اراده او عرض اندام کرده، راه عبورش را به سوی تحقق اراده‌اش می‌بستند. این واقعیت او را به تکاپو در مسیر تحقیق درباره اسباب و علل پدیده‌ها و پدیدارها وامی‌داشت تا بدین وسیله راه غلبه بر این قدرت‌های هوشمند طبیعی را بیابد و گذرگاه خود را برای برون شد از زندان طبیعت آگاه و حرکت به سوی پی‌ریزی جهان انسانی آزاد که در آن بتواند به عنوان موجودی

مستقل و متفاوت از طبیعت زندگی کند، هموار کند.

هنگامی که انسان پا به عرصه حیات جمعی نهاد و شالوده‌های مدنیت تاریخی‌اش را بنا نهاد، با دو مسئله در حیطه شناخت خود از جهان رو به رو شد:

اول: سرشت ایمانی جستجوگر او بود که وی را به شناسایی کلی جهان و نظریه‌پردازی در باب کلیت هستی فرا می‌خواند که بالطبع بنا بر اقتضای این گونه از ایمانگرایی باید از مرحله کشف صرف اسباب و علل پدیده‌ها و پیدارها عبور می‌کرد و به تصویری کلی از جهان هستی و ماهیت حقیقت آن دست می‌یافت [فطرت حقیقت‌جویی و پدیدار شناختی].

دوم: مسئله کنترل و مدیریت نظام اجتماعی او بود.

در مسئله نخست، آدمی با این پرسش‌ها رو به رو شد: جایگاه و نقش او در این جهان پهناور چیست و آیا او با همه تفاوت‌های بنیادینش با جهان بیرونی، رابطه ضروری با آن دارد؟ کیفیت این رابطه چگونه است؟ آیا اساساً آدمی برای چه زندگی می‌کند و به سوی کجا در حرکت است؟ اصولاً او در این نظام پیچیده چه تعریف دقیقی دارد و غایتش در نظام هوشمند طبیعت چیست؟ برنامه و راه رسیدن بدان غایت چیست؟ چه ضمانت و معیاری وجود دارد که او بتواند مطمئن باشد که ماهیت واقعی‌اش را شناخته است؟ نشانه‌های انحراف و بیگانگی از این حقیقت انسانی چیست؟

از اینجا است که آدمی در طول تاریخ، خود همواره در این اندیشه بوده است که بر مبنای تصویری کلی که از جهان کشف می‌کند، جایگاه خود را نیز در این نقشه معین کند و رابطه‌اش را با سایر اجزای آن بیابد و بداند برای چه زندگی می‌کند و باید به کجا برود.

به این دلیل ما ورود انسان را به مرحله‌ای که در آن می‌کوشد، خود را به عنوان نیرویی